

مقدمه‌یی بر معنا و دلالتِ «تاریخ شفاهی ایثار و شهادت»

علیرضا کمری

1- از واژه‌ی «تاریخ» غالباً سه معنای اصطلاحی مُستفاد می‌شود: «رویداد یا واقعه»، «زمان»، «گزارش رویداد یا واقعه در قالب متن». تاریخ به معنی واقعه یا رویداد برآمده‌ی افعال و اندیشه‌های آدمی است، همچنان که شناخت و گزارش (روایت) واقعه در قالب متن نیز حاصل درک و دریافت انسان است. اندیشه‌ها و افعال در زمان و مکان رخ می‌دهند، بلکه می‌توان گفت زمان و مکان را معنا می‌بخشند یا مُحقق می‌کنند. عمل یا کنش انسان در صحنه‌ی زمان و مکان موضوع مطالعه‌ی تاریخ است؛ از این‌رو تاریخ، آمال و باورها و اندیشه‌های آدمی را از زُمره‌ی فعل یا عمل می‌انگارد. به عبارت دیگر می‌شود گفت: انتزاعِ اندیشه از عمل امری مجازی و اعتباری است و گستره‌ی موضوعی تاریخ، ترکیب‌سازه‌ای از افکار، آمال و باورها و کردوکار آدمی است. شناخت تاریخ (تاریخ‌نگری) و اهتمام به گزارش رخدادها در قالب متن (تاریخ‌نگاری) صورت‌های گوناگونی دارد که «تاریخ شفاهی» از جمله‌ی آنهاست.

2- تاریخ شفاهی یک «رویکرد» نوپدید در تاریخ‌نگری و طرزِ تازه در «روش» تولید داده‌های تاریخ شناختی و تاریخ‌نگاری است. در این روش مورخ محقق از طریق شنید و گفت روشمند (مصاحبه) با مراجع روایی، یعنی واقفان (به) و آگاهان از پدیده‌ها، رخدادها (کنشگران و نقش‌آفرینان - شاهدان و ناظران - سامعان و خَبریافتگان) به گردآوری و شناخت مسئله‌ها و موضوعات روی داده اقدام می‌کند. سبب تفاوت بارز میان عملِ مورخ شفاهی / مورخ پُرسا، با مورخ کتبی و سندکاو، اتکا و ابتدای مورخ شفاهی به اظهارات مراجع روایی گویا به جای اسناد به اسناد و مدارک صامت است. این سخن البته به معنی بی‌اعتنایی و اعراض و یا بی‌نیازی مورخ شفاهی به اسناد و مدارک تاریخی نیست. وجه دیگر تفاوت در این است که مورخ شفاهی / مصاحبه‌گر، در فرایند تولید اطلاعات پایه و مرجع، یعنی شواهد شفاهی (به‌مثابه‌ی اسناد) نقش و مدخلیت دارد. از این‌رو **مصاحبه / شنید و گفت، رُکنِ رَکینِ پیدایی و یافت داده‌ها و تولید متن در تاریخ شفاهی است.** بنابراین، یافته‌ها و به‌دست‌آورده‌های مصاحبه‌گر مورخ در وهله‌ی نخست به‌مثابه‌ی اسناد و اطلاعات تاریخ‌شناسی به حساب می‌آید و در وهله‌ی دوم متن گفت‌وگوی مورخانه‌ی مصاحبه‌گر یا مورخ شفاهی در سیر ساماندهی و تدوین، به متن و گزاره تاریخ شفاهی (مکتوب، کتبی صوتی، کتبی صوتی تصویری) تبدیل

می‌شود. به دیگر سخن، در روش تاریخ شفاهی عمل مورخ کارکردی دوگانه و پیوسته به هم دارد: تولید داده‌های شفاهی، (به جای شناسایی و یافتن و فراهم‌آوری اسناد و مدارک در تاریخ کتبی) و دیگر، تدوین و نگارش متن.

یکی دیگر از مشخصه‌های متمایزکننده‌ی تاریخ شفاهی از تاریخ‌پژوهی و تاریخ‌نگاری کتبی و کلاسیک، در زمان و نزدیک‌بودن، و نه دیرزمان و دوربودن مسئله‌ها و موضوعات است. این تفاوت ناظر بر رویکرد تاریخ شفاهی و تحول در تعریف تاریخ است که آن را از مطالعه‌ی گذشته‌های گذشته و گذشته‌شده به اکنون گذشته و «حال» احاله می‌دهد. از این‌رو تاریخ شفاهی ماهیتی میان‌رشته‌ای دارد و با حوزه‌ی علوم اجتماعی، به‌ویژه مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی، مطالعات فرهنگی هم‌پوشانی و ارتباط دارد و برای بررسی و بازشناسی و بازنمایی پدیده‌ها، رخدادها و مفاهیمی که به تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و کنش‌های فراگیر مردمی مربوط می‌شود کارا و مناسب است.

3

«ایثار و شهادت»، خاصه ایثار، از گونه‌ی واژه‌های مفهومی یا مشترک لفظی به نظر می‌رسد؛ بنابراین، تعریف (شناختن و شناساندن) معنا و دلالت این دو واژه بستگی به نوع اندیشه و ادراک مُعرّف و زمینه و زمانه‌ی پیدایی و شناخته‌شدگی و مصداق‌یافتگی آن‌ها دارد. این دو واژه‌ی کلان مفهوم، در این گفتار به معنا و مقصود مدنظر (نه تقلیل و تنزل) بلکه تعین و تخصیص یافته و با مصادیق مشخص توضیح داده شده است (رک به: ماده 1 تعاریف از فصل اول - کلیات، قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران. مندرج در روزنامه‌ی رسمی جمهوری اسلامی ایران، شماره‌ی 19821 - 1391/12/28)

تأمل در عنوان/ عبارت «تاریخ شفاهی ایثار و شهادت» بدین معناست که ایثار و شهادت حسب مفهوم و مصداق، پدیده‌ای تاریخی است که شأنیت و موضوعیت تاریخ‌شناختی دارد و از این‌رو بایسته است به‌طور مشخص گستره‌ی مسائل موضوعه‌ی آن احصا شود. دو بهره یا قلمرو موضوعی در این چشم‌انداز قابل مشاهده و مطالبه است:

1-3- بهره‌ی نخست: بررسی تاریخ/ تاریخ‌شناختی پیدایی، تطور و رشد مفهوم و معنا یا مفاهیم و معانی مترتب و مربوط و منتج/ مختوم به «ایثار و شهادت» در مقاطع زمانی ذیل؛

1-1-3- آغاز نهضت امام خمینی (ره) تا پیروزی انقلاب اسلامی (1342-1357)

مفهوم ایثار و شهادت در این دوران بر مبانی دینی، شیعی و الهام‌یافته از آموزه‌های واقعه‌ی عاشورا احیا گردید و آرمان مبارزه با حاکمیت رژیم پهلوی (که نماد ظلم و طاغوت خوانده می‌شد) به عنوان مبارزه‌ی میان حق و باطل نام و آوازه گرفت. گرچه در ترویج اندیشه و آرمان مبارزه‌جویی بعضی جریان‌ها و مجموعه‌های سیاسی غیردینی نیز بیش و کم نقش و حضور داشتند، اما روی‌گردانی و بی‌اعتقادی آنان از فرهنگ و اعتقادات دینی مردم موجب شد که جز در میان مجموعه‌های فروبسته و اندک‌شمار در پدیدآوری

فضای مبارزه و ایثار و شهادت سهم و تأثیری جدی و فراگیر نداشته باشند. اما مجموعه‌ی فعالیت‌هایی که در گروه‌ها، جریان‌ها و نهادهای دینی، پیدا و پنهان در سخنرانی‌ها و خطابه‌ها، نوشته‌ها، در فضای ایدئولوژی انقلابی و ادبیات استعاری بروز و ظهور یافت در گسترش این مفهوم بسیار مؤثر واقع شد. در این دوره، انقلاب اسلامی در سیر فعالیت‌های فرهنگی دینی نشأت یافته از سوی عالمان و مدرسان و شاگردان امام خمینی (ره) در حوزه‌ی علمیه قم و در نهادهای بیرون حوزوی، از جمله حسینیه‌ی ارشاد تهران زمینه‌های بیداری و جان‌فشانی و مبارزه را مهیا می‌کرد. (رک به: **جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران**، رسول جعفریان. **چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران**، روح‌الله حسینیان)

آن چه در این مسیر موجبات تشدید روحیه‌ی مبارزه‌جویی و ایثارگری و فداکاری را اندک‌اندک فراهم آورد جان‌سپاری برخی از مبارزان در کشاکش با نیروهای سرکوبگر رژیم در زندان‌ها بود که مرگ سرخ یا شهادت را نزد آحاد جامعه به عنوان ارزشی معنوی و بی‌مانند جلوه‌گر کرد. فراگسترشدن این حال و هوای ایثارگرانه و شهادت‌خواهانه، در ماجرای قیام قم و از آن پس دیگر شهرها تا پیروزی انقلاب اسلامی در 22 بهمن بروز و ظهور یافت و سبب سرنگونی رژیم شاه شد.

3-1-2- از پیروزی انقلاب اسلامی تا آغاز جنگ تحمیلی

برخلاف انتظار، که دوران پس از انقلاب، دوره استقرار و تثبیت نظام نوپاست، وقایع رخ داده در برخی از نواحی ایران و فعالیت‌های مخالفان مسلح برانداز و بروز تهدیدهای خارجی در کشاکش سیاسی با امریکا، سبب تداوم روحیه‌ی جهادی و شهادت‌طلبی و ایثارگری در خدمت به انقلاب شد. در این دوره در وضع قوانین - از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - مفاهیم جهاد و شهادت و مبارزه محل توجه قرار گرفت و در قبول مسئولیت‌ها و ایجاد و استقرار نهادهای نوپدید انقلاب به‌ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و جهادسازندگی، داشتن سوابق مبارزاتی و تعهد به مبانی ارزشی و دینی انقلاب و جوشش ایثارگرانه و شهادت‌طلبانه و خدمت بی‌مزد و منت به ظهور و بروز رسید.

3-1-3- از آغاز جنگ تحمیلی تا پایان جنگ و پذیرش قطعنامه‌ی 598

این دوران، اوج تجلی مفهوم ایثار و شهادت است که به سبب حضور معتقدانه‌ی آحاد طبقات اجتماعی در صحنه‌های دفاع از انقلاب اسلامی و پیروی از فرمان امام خمینی (ره) بسیج مردمی در جبهه‌های جنگ محقق گردید. براساس آثار و شواهد موجود، از جمله وصیت‌نامه‌ی شهید، دلیل اساسی و اصلی آمادگی و نقش‌آفرینی ایثارگران و شهیدان این دوران، پیروی و رهروی در طریق آرمان‌های دینی و خاصه تبعیت از راه

و سلوک سیدالشهدا حضرت امام حسین (ع) و یاران او در واقعه کربلاست. این دوران پرحادثه و موضوع به تدریج محل توجه مسئولان ذی‌ربط واقع شد و توجه به وضع قوانین برای رسیدگی به مسائل و مشکلات مربوط به جبهه‌رفتگان و جنگ‌دیدگان در نظر آمد و در واژه‌هایی همچون «شهید»، «آزاده»، «جانباز» و ... تعریف شد و حقوق مترتب بر تحقق این نامها بر ایثارگران و خانواده‌های شهدا مقرر گردید. در سال‌های پایانی جنگ به نظر می‌رسد گستردگی ارزشی معنوی مفهوم شهادت و ایثار، و به تبع آن نحوه و شمار حضور روندگان به جبهه‌های جنگ رو به کم‌رنگی و کاستی نهاد، و این نیز مسئله‌ای است که در روند مطالعه‌ی مفهوم ایثار و شهادت می‌باید بدان نظر کرد.

3-1-4- پایان جنگ و آغاز دوران توسعه/ سازندگی اقتصادی و گشایش جبهه‌ی فرهنگی تساهل

و تسامح

پس از پایان یک دهه جوش و خروش انقلابی و درگذشت امام خمینی (ره) و دگرشدن تدریجی فضای اندیشگانی در سیاست‌ها و سطوح اجرایی نظام و اتخاذ رویکرد سازندگی از سوی دولت وقت و ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی - و بیش و کم اهمیت یافتن تخصص در برابر تعهد - نشانه‌هایی از دوران پس‌نشست از شعارهای جهان‌شمول انقلاب و انقلابی‌گری پدیدار آمد که سبب به حاشیه رفتن/ رانده‌شدن اعتبار و مفهوم شهادت و ایثار گردید. ظاهر امر چنین می‌نماید که در این دوره توجه به ایثارگران و خانواده‌های شهدا معطوف به خدمات امدادی است و بازماندگان واقعه از مواهب دوران حضور در جبهه‌های جنگ بهره‌ورند؛ مع‌الاسف این گزاره شایعه‌ی نادقیق و نادرست، بازماندگان شهدا و ایثارگران را به پوشیدگی و خفا از گذشته‌ی خود سوق داد و منزلت معنوی مفهوم ایثار و شهادت نه‌تنها عوض دنیایی نیافت که در مظان اتهام واقع شد.

مع‌الوصف شعارهای انقلاب/ انقلابی و آرمان شهادت‌خواهانه و ایثارگرانه جز در مجموعه‌های پای‌بند و معتقد به دوران انقلاب و جنگ و در کلام و آموزه‌ها و هشدارهای امام خمینی (ره) و رهبری انقلاب، در گستره‌ی روابط اجتماعی و سازوکار نظام اجرایی محل کم‌اعتنایی و بی‌توجهی قرار گرفت. آنچه در برخی از ستیز و آویزهای مطبوعاتی میان ارزش‌گرایان و توسعه‌اندیشان رخ داد و از سویی دیگر در ادبیات اعتراض و دل‌یادها و خاطره‌گرایی‌های دوران پس‌اجنگ جلوه کرد نشانه‌ای بر این دوران گذار است. مشاهده‌ی این وضع - که بعدها برخی از غفلت‌زدگان را به انتباه آورد - و بروز آشکار ناهنجاری‌های رفتاری که تظاهر آن در نحوه‌ی پوشش و آرایش جوانان بیشتر به چشم‌ها آمد (و لایه‌های عمیق‌تر آن که سبب ساز آسیب‌های پنهان و نادیده‌ی اجتماعی شد)، تغییر در سبک زندگی، گرایش به رفاه طلبی و اهمیت یافتن امتیازات اجتماعی (ثروت - مدارک تحصیلی - عنوان شغلی و ...) خطر فراموش‌شدن سرمایه‌ی گران‌بار شهادت و ایثار (که انقلاب اسلامی به موجب پیدایی آن به پیروزی رسید و جنگ را از سر گذراند)، برخی مسئولان را به اندیشه‌ی «احیا و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت» برانگیخت. این دقیقه را در نظر باید داشت که احیاکردن

پدیده‌ای (به معنای زنده کردن) نشان از در معرض اندراس و مرگ بودن آن پدیده دارد. بحث از راه‌کارها و چند و چون احیای فرهنگ ایثار و شهادت - که به بهانه و بابت آن نشست و خاستها و گفت و نوشت‌های فراوان (بلکه انبوه) صورت گرفته است، مستلزم توجه به چگونگی و چرایی پیدایی/ تکوین، سیر و تطور این مفهوم از آغاز تا اکنون به‌مثابه‌ی یک پهنه/ عرصه‌ی تاریخی/ تاریخ‌شناختی است. بنابر آنچه گذشت بررسی و مطالعه‌ی تاریخ شناختی مفهوم/ مفهومی «ایثار و شهادت» با توجه به زمینه‌های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پیدایش، رشد و نصج و اعتلا و زان پس فروکاهش ارزش اجتماعی آن و اندیشه‌های احیای این مفهوم در مراحل یادشده، در طول پنجاه سال گذشته از سال 1342 تا 1392، بهره‌ی نخست موضوع شناسانه این مفهوم را آشکار می‌کند. این تحقیق و تفحص از طریق گفت و شنود فعال و روشمند با آگاهان و خبرگان، شدنی و دست‌یافتنی است. در این بررسی چگونگی پیدایی مفهوم شهید و شهادت، جانبازی، اسارت، آزادگی و رزمندگی، در «فرهنگ انقلاب اسلامی» از طریق پرسش و پاسخ با خبرگان ضرورت دارد. برشماری تبار و طبقه‌ی این آگاهان نیازمند واکاوی در آثار و اسناد منتشرشده و به‌ویژه بازشناسی دل‌یادها و خاطراتی است که از رجال انقلاب در دو دهه اخیر چاپ و انتشار یافته است. آنچه در این گفت‌و‌شنودها محل اهتمام و توجه می‌تواند بود این است که خوانش و گزارش و چند و چون فهم از ایثار و شهادت، در این بازجست و بررسی تاریخ‌پژوهانه احصا و استحصال شود. بدیهی است در این مسیر نیز شناخت، تاریخ چگونگی وضع قوانین و چند و چون تأسیس بنیاد شهید انقلاب اسلامی، از آغاز تاکنون، موضوعیت و ضرورت دارد.

2-3-2 بهره‌ی دوم: تاریخ شفاهی ایثار و شهادت، بر پژوهش تاریخ شناختی شهیدان، مفقودالائرها (جاوید الاثران)، جانبازان، اسیران، آزادگان و رزمندگان دلالت می‌کند. ملاحظه‌ی این طیف گسترده لزوم جزءنگری در هر یک از این موارد را به شرح ذیل فرادید می‌آورد:

1-2-3 تاریخ شفاهی شهیدان،

2-2-3 تاریخ شفاهی مفقودالائرها،

3-2-3 تاریخ شفاهی جانبازان،

4-2-3 تاریخ شفاهی آزادگان،

5-2-3 تاریخ شفاهی رزمندگان،

تأمل در شناختن مسائل موضوعه مربوط به هر یک از طبقات مذکور دوگونه و گستره‌ی موضوعی از مسائل را به ذهن متبادر می‌کند: **اول**؛ تاریخ شفاهی ایثار و ایثارگری ایثارگران از گام و مرحله‌ی نخست آگاهی و عزم بر حضور در صحنه عمل و میدان مخاطره (اعم از جبهه و غیر آن) تا رسیدن و نامبرده شدن و جای گرفتن در یکی از مراتب ایثارگری، یعنی به شهادت رسیدن، مفقودالائرشدن، جانباز شدن و ... **دوم**؛

تاریخ شفاهی واقعه‌ی شهادت، مفقودالاثردن، جانبازی و ...، به تعبیر دیگر در وجه دوم بهره‌ی ثانی، تاریخ شفاهی تحقق و مسمایافتن عنوان بر فرد، مدنظر و موضوع مطالعه است. توجه به چند نکته‌ی دقیق در موضوع مذکور حائز اهمیت است:

1/ ایثارگران غیرشهید (مفقودان - جانبازان - اسیران - آزادگان - رزمندگان) همانا شهیدان حاضر، (و به تعبیر رایج و نه چندان دقیق) شهیدان زنده‌اند. زیرا آن کس که پا در طریق خطر گذاشته است و یا آن که در گیرودار خطرات وارد آمده قرار گرفته است در معرض شهادت واقع شده است. به تعبیر رساتر همان تیر و ترکش که سبب مجروحیت و جانبازی فرد رزمنده شده، ممکن بوده است وی را به شهادت برساند؛ وانگهی شهادت نه فقط مرگ سرخ و کشته‌شدن در راه خدا، بلکه در اصل، حضور مرگ‌آگاهانه در متن واقعه است.

2/ پرسشها از مراجع روایی در حوزه‌ی مسائل موضوعی مصادیق ایثارگری و ایثارگران از حیث سنخ و نوع، در گونه و وجه موضوعی نخست، صورت و ماهیتی یکسان دارد و تفاوت در سئوالات ناظر بر چگونگی و چرایی تحقق نام‌ها در مصادیق مدنظر از ایثار در وجه دوم است. در هر دو نوع سئوالات مسئله بسیار مهم توجه به مفهوم و مصداق ایثار و ایثارگری ایثارگران است، زیرا ممکن است بی‌توجهی به این تخصیص موضوعی، مجموعه‌ی موضوعی به یادداشته‌ها و بازگفته‌های طبقات برشمرده را مصداق متن و محتوای ایثار بنماید و بنمایاند. برشماری و مشخص‌سازی این مسئله‌ها و موضوعات گام آغازین در تهیه و تدارک تاریخ شفاهی ایثار و شهادت است. به عبارت ساده‌تر وجه تمایز تاریخ شفاهی ایثار و شهادت می‌باید متمایز از مطلق تاریخ شفاهی جنگ و جبهه باشد. کانه تاریخ شفاهی ایثار و شهادت اخص موضوعی تاریخ شفاهی جنگ و جبهه است.

3/ جامعه‌ی ایثارگران را (شهیدان، مفقودالاثرها، جانبازان، آزادگان، رزمندگان) براساس معیار ایثارگری خودانگیخته، خودآگاه و حادثه دیدگان می‌توان بر دو (و حتی سه) تبار و طبقه - اعتباراً، از حیث نوع سئوالات و مسئله‌ها در تاریخ پژوهی در روش تاریخ شفاهی از یکدیگر تفکیک کرد. به این معنا که مسئله‌ها و موضوعات و سئوالها از جانباز میدان جنگ با کسی که در موشک باران شهرها، حادثه دیده و جانباز خوانده شده و یا آن کسی که در سال‌های مبارزه با رژیم شاه در زندان‌های مخوف ایثارگر خوانده می‌شود تفاوت دارد. (این تقسیم‌بندی نوع شناختی وجه ارزشی و ترجیح‌انگارانه ندارد).

4/ **پهنه‌ی زمانی تاریخ شفاهی ایثار و شهادت، در حوزه‌ی مفهوم و مصادیق، از آغاز نهضت امام خمینی تا اکنون را دربرمی‌گیرد و همچنان تا زمان زیست و حضور ایثارگران (صحابی/ راویان واقعه) ادامه خواهد یافت؛ از منظری دیگر، این تداوم زمانی تا زمان زیست و حضور بازماندگان و منسوبان واقعه (تابعین) گسترده خواهد شد.** با نظرداشت این نکته، تاریخ شفاهی ایثار و شهادت، دربرگیرنده‌ی تاریخ شفاهی همسران، فرزندان و پدر و مادر ایثارگران، علی‌الخصوص جانبازان، است. زیرا جنگ و مبارزه گرچه ظاهراً پایان یافته، اما تبعات این واقعه در پی‌آمد رویدادهای بعدی برای ایثارگران و منسوبان آنها خاتمه نیافته است و آثار و نتایج

پیدا و پنهان آن همچنان جاری و ساری است و تا دهه‌های آینده نیز ادامه خواهد داشت. (گرچه بنا بر تصریح قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران، مصادیق عینی ایثار در 5 یا 6 طبقه مشخص شده است اما درنگ‌برانگیز است که در طرح تاریخ شفاهی ایثار و شهادت، نقش (کاروکرد) خاموش و بی‌آوازه‌ی ایثارگران (ناشناخته) به ایثارگران (شناخته‌شده) در نظر گرفته نشده است، از این شمارند پدران و مادران و فرزندان و علی‌الخصوص همسرانِ باوفای جانبازان که در تیمار و نگاه‌داشت آنان سال‌های پس از واقعه بدین خدمت بی‌مزد و منت مشغولند و کمتر کسی از تلاش سترگ آنان - جز برخی نزدیکان - خبردار است.) تأمل در این نکته مفید این نتیجه می‌تواند بود که «از» زمان تاریخ شفاهی ایثار و شهادت حدوداً معلوم اما «تا»ی آن تا آینده ادامه خواهد داشت. بنابراین در معنی گسترده و کلان، مطالعه‌ی تاریخ‌شناختی ایثار و شهادت امری متداوم، جاری و آتی است که تا چند دهه آینده فراهم‌سازی یافته‌ها و داده‌های آن به طول خواهد انجامید.

5/ ناگفته پیداست ایثارگران مرجع اول در تاریخ شفاهی ایثار و شهادت شمرده می‌آیند. جز آن که درباره‌ی شهیدان ناگزیر نقل و روایت مراجع روایی دیگر راه‌برد شناخت کردوکار آنهاست. شایسته بررسی است تا معلوم شود در میان طبقات ایثارگران نقش کانونی به حسب فراوانی شمار این جامعه آماری و تحقق مفهوم و معنای ایثار به کدام یک از طبقات مدنظر تعلق دارد. به نظر می‌رسد - احتمالاً - این نقش کانونی از آن جانبازان باشد. در صورت صحت این گزاره نقش و کارویژه‌ی تاریخ شهادت و ایثار از گفت و روایت جانبازان بسیار چشمگیر خواهد بود.

6/ بنا بر آنچه به اجمال گفته آمد به نظر می‌رسد پهنه‌ی گسترده‌ی تاریخ شفاهی ایثار و شهادت که مستقلاً نیازمند واکاوی مستوفی در جزئیات است به حیث جامعه‌ی مراجع روایی، دامنه و وسعت زمانی و مکانی و موضوع، قلمرو وسیعی را دربرمی‌گیرد که در منصفه‌ی عمل نیازمند طراحی در حد یک کلان پروژه‌ی ملی است.

7/ وجود نهادها و مجموعه‌ها و مؤسسات دولتی و غیردولتی متعدد که در حیطه‌ی مسئله‌ها و موضوعات انقلاب اسلامی و دوران جنگ/ دفاع مقدس فعالیت می‌کنند از جهتی می‌تواند در جهت اکمال و ارتقای این پژوهش تاریخی/ تاریخ‌شناختی مفید و مؤثر و از جهتی - به سبب نامعلوم بودن وظائف و رویکردهای هر نهاد در فراهم‌آورده‌های تاریخ‌شناختی این رویداد (خاصه با گذر زمان که به زبان می‌گذرد!) - موجب پراکندگی و تکرار و هدرشدن سرمایه‌ها و زمان گردد. از این رو تأسیس یک مرکزیت مرتبط‌کننده، سامان‌دهنده و هیأت کارشناسی و شورای علمی برای طراحی، هدایت، نظارت و اجرای این طرح پژوهشی تاریخی گسترده در بنیاد شهید و امور ایثارگران ضروری به نظر می‌رسد.